

باور شما کدام است؟



برای مطالعه شماره قبل این
مقاله تصویر را اسکن کنید

نویسنده: دکتر ایرج خوش خلق
عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

اشاره

در بخش اول به نقش نظریه‌های یادگیری در ایجاد باورهای معلم اشاره شد. در ادامه به باورهای یادگیری معلم که تحت مفروضه‌های نظریه رفتاری شکل گرفته بود اشاره و تأثیر آن بر روش آموزش و سنجش بررسی شد. در بخش دوم به نقش باورهای یادگیری معلم که بر اساس نظریه‌های شناختی- رفتاری و سازنده‌گرایی شکل گرفته‌اند و بر روش آموزش و سنجش او اثر می‌گذارند اشاره شد. در این بخش نقش باورهای یادگیری معلمی که به اصول نظریه سازنده‌گرایی باور دارد و اثربخشی آن بر روش‌های آموزش و سنجش او بررسی خواهد شد.

نظریه یادگیری سازنده‌گرایی

باور یادگیری معلم

«یادگیری فرایندی است که در آن یادگیرنده براساس تجربه‌های قبلی، دانش آموخته‌شده در موقعیت‌های آموزشی (مفاهیم و ایده) را تحلیل و تفسیر و دانش را به‌طور شخصی بنا و تولید می‌کند.»

بر اساس باور یادگیری، انتقال یادگیری (آموخته‌های بایسته) به یادگیرندگان، توسط معلم انجام می‌گیرد. در این باور یادگیری، روش تدریس محور اصلی انتقال یادگیری است. در باور یادگیری مبتنی بر سازنده‌گرایی، کانون توجه از تدریس به یادگیری تغییر یافته است و دانش‌آموز فردی کاملاً فعال در یادگیری تلقی می‌شود. اگرچه در باور یادگیری مبتنی بر نظریه شناختی- رفتاری نیز به یادگیرنده به‌عنوان پردازشگر فعال توجه می‌شود، اما در پارادایم یادگیری سازنده‌گرایی، یادگیرنده بیش از یک پردازشگر فعال اطلاعات است، زیرا در فرایند یادگیری، نه تنها اطلاعات ارائه‌شده توسط معلم را بسط می‌دهد و آن‌ها را تفسیر می‌کند، بلکه اجازه دارد با آزمودن عملی تفسیرهای بسط‌داده‌شده خود در موقعیت‌های



مسئله‌ها، به‌شخصه دانشی مجزا و فراتر از دانش کلاسی آموخته‌شده را بنا کند. از این‌رو در باور یادگیری سازنده‌گرایی بر طراحی آموزشی مبتنی بر سازمان‌دهی محیط یادگیری تأکید می‌شود. ویلسون^۱ (۱۹۹۶) محیط یادگیری سازنده‌گرا را مکانی تعریف می‌کند که «در آن یادگیرندگان با مشارکت و حمایت یکدیگر، منابع و ابزارهای اطلاعاتی را طوری دستکاری می‌کنند که به اهداف یادگیری و راه‌حل‌های مناسب برای مسائل دست یابند.» این تعریف به دو نکته اساسی اشاره دارد. اول اینکه، برخلاف باورهای یادگیری رفتاری و نیز شناختی - رفتاری، آموزش به‌عنوان محیط یا مکانی در نظر گرفته شده است که یادگیری در آن رخ می‌دهد. در این محیط، یادگیرندگان با استفاده از ابزارها و منابع، اطلاعات را دستکاری و آن‌ها را تفسیر می‌کنند. دوم اینکه صفت سازنده‌گرا به محیط یادگیری اطلاق شده است تا معنادار بودن و نیز واقعی بودن بافت حل مسئله برای تولید راه‌حل‌های مناسب را که نوعی دانش شخصی بنا شده توسط یادگیرنده است، نشان دهد.

باور یادگیری سازنده‌گرایی و نقش معلم در آموزش

در محیط‌های یادگیری سازنده‌گرا، نقش معلم از «انتقال‌دهنده مستقیم اطلاعات» به «تسهیل‌کننده یادگیری دانش شخصی» تغییر می‌کند. او در محیط یادگیری به دانش‌آموزان نشان می‌دهد چگونه باید دانش را تولید کنند و با مشارکت دیگر یادگیرندگان، راه‌حل‌های مناسب برای مسائل به دست آورند. اگرچه در محیط‌های یادگیری بر ساخت معنا توسط یادگیرنده تأکید می‌شود، اما معلم در سازمان‌دهی محیط یادگیری نقش بسیار حیاتی دارد. او با فراهم‌آوردن موقعیت و ابزارها به دانش‌آموزان کمک می‌کند با استفاده از ابزارها و منابع اطلاعاتی، به راه‌حل‌های مسائل نائل آیند و در این فرایند بر یادگیری خود نظارت داشته باشد. به نظر ایرت مر و نیوبای (۱۹۹۳) معلم در این پارادایم دو نقش اساسی ایفا می‌کند: ۱. نحوه ساخت معنا و نیز نظارت و ارزشیابی از تولیدات را به یادگیرندگان آموزش می‌دهد؛ ۲. برای یادگیرندگان تجربه‌هایی طراحی می‌کند که در بافت‌های واقعی قابل کاربرد باشد.

معلم می‌تواند براساس باور یادگیری سازنده‌گرا از روش‌های با مقیاس وسیع برای سازمان‌دهی محیط‌های یادگیری استفاده کند. در طول دهه‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷ الگوهای متنوعی برای سازمان‌دهی یادگیری در محیط‌های واقعی ارائه شده‌اند که در این مقاله به یکی از این الگوها، یعنی «الگوی طراحی یادگیری سازنده‌گرا» اشاره می‌شود.

هدف این الگو ارائه چارچوب عملی برای سازمان‌دهی یادگیری در کلاس درس است. اگر یادگیری فرایند ساخت یا تولید دانش در نظر گرفته می‌شود، هدایت و حمایت از یادگیری باید طوری انجام گیرد که به یادگیرندگان برای معنادار کردن و تولید دانش

کمک شود. در این الگو نقش معلم هدایت، تسهیل و هماهنگ کردن یادگیری است. سازمان‌دهی یادگیری در پاسخ به سه سؤال اساسی شروع می‌شود:

۱. از دانش‌آموزان انتظار می‌رود چه چیزهایی یاد بگیرند؟
۲. دانش‌آموزان در کجا به یادگیری مشغول هستند؟
۳. با توجه به انتظارات یادگیری دانش‌آموزان چگونه به آن‌ها معنادارند؟

معلم در پاسخ به این سؤالات شش قدم اساسی برای سازمان‌دهی یادگیری برمی‌دارد: **گاکنون و کالی** (۲۰۰۶) در الگوی خود این شش گام اساسی را چنین پیش‌بینی کردند: ۱. تعیین موقعیت؛ ۲. سازمان‌دهی گروه‌های دانش‌آموزی؛ ۳. ایجاد پل شناختی؛ ۴. تهیه تکالیف یادگیری؛ ۵. تهیه شرایط برای نشان دادن عملکرد؛ ۶. بازتاب تفکرات برای سازمان‌دهی یادگیری.

معلم برای سازمان‌دهی محیط یادگیری باید چند گام را به ترتیب اولویت بردارد:

۱. طراحی موقعیت‌هایی که در آن هدف، موضوع یادگیری و شیوه سنجش مشخص شود؛
۲. سازمان‌دهی دانش‌آموزان، ابزارها و منابع اطلاعاتی به منظور معنادار کردن به محیط و اطلاعات؛
۳. پیش‌بینی شرایطی که بین آنچه دانش‌آموز قبلاً آموخته و آنچه از او انتظار می‌رود، پل ارتباطی ایجاد شود.
۴. پیش‌بینی تکالیفی که دانش‌آموزان با انجام آن‌ها برای سؤالات خود پاسخ مناسب تهیه کنند.
۵. پیش‌بینی شرایطی که دانش‌آموزان نتایج و تولیدات خود را به شیوه‌های مناسب نشان دهند.
۶. پیش‌بینی شرایطی که در آن فرایند تفکر و نیز احساسات خود را در ارتباط با تولیدات به دیگران انعکاس دهند و ارزیابی کنند

سنجش در باور یادگیری سازنده‌گرایی

سنجش در باور یادگیری سازنده‌گرا از نقش مهمی برخوردار است. در این الگو، سنجش بخش جدایی‌ناپذیر هر یک از گام‌های شش‌گانه طراحی آموزشی است. معلم براساس سنجش علاقه‌ها و نیازهای دانش‌آموزان موقعیت یادگیری را مشخص و تعریف می‌کند. سازمان‌دهی گروهی براساس سنجش نیازهای اطلاعات انجام می‌گیرد. معلم از سنجش برای شناخت پل ارتباطی بین آموخته‌های گذشته و حال استفاده می‌کند. در این الگو، خود تکالیف یک روش سنجش انتقال یادگیری به موقعیت‌ها تلقی می‌شوند. دانش‌آموزان در مرحله نشان‌دادن تولیدات، مهارت و توانایی‌های یادگیری خود را نشان می‌دهند. در نهایت هم انعکاس افکار و احساسات فردی و گروهی نسبت به تولیدات، نوعی خودسنجی محسوب می‌شود که نتایج آن برای دانش‌آموزان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. علاوه بر این، باور یادگیری سازنده‌گرا بر سنجش یادگیری در بافت‌های واقعی یا شبیه‌سازی شده تأکید



دارد. از آنجا که طبق مفروضه‌های سازنده‌گرایی سنجش باید در نقش انتقال یادگیری ظاهر شود، یادگیرندگان از طریق خودسنجی‌های مستمر بر فرایندها و تولیدات یادگیری خود کنترل و نظارت دارند و در خود نظم‌دهی یادگیری نقش اساسی ایفا می‌کنند. بنابراین، در این الگو سنجش به معنای فرایند مستمر کاوش و جست‌وجوی اطلاعات در مورد یادگیری از طریق تولید بازده‌های یادگیری در بافت‌های واقعی یا شبیه‌سازی‌شده و بازنگری آن‌ها با استفاده از انواع روش‌های خودنظم‌دهی تعریف می‌شود. در سازنده‌گرایی: ۱. سنجش دانش آموز محور است؛ ۲. از ابزارها نه تنها برای جمع‌آوری اطلاعات، بلکه برای آموزش و یادگیری استفاده می‌شود؛ ۳. بازخوردهای تحصیلی به صورت توصیفی - کیفی و سازنده‌اند؛ ۴. ابزارها توانایی به کار بستن دانش و مهارت را می‌سند؛ ۵. سنجش انگیزه درونی را برای یادگیری پرورش می‌دهد.

مفهوم و اصول سنجش در رویکرد یادگیری سازنده‌گرایی

نظریه یادگیری سازنده‌گرایی و انواع آن

سازنده‌گرایی نظریه‌ای است که در آن چپستی دانش و نحوه کسب آن تحلیل و تبیین می‌شود. سازنده‌گرایی بر اساس مطالعه و پژوهش دو تن از نظریه‌پردازان قرن بیستم یعنی **ژان پیاژه** (۱۹۷۶) و **لئو ویگوتسکی** تدوین و ارائه شده است. مطالعات پیاژه به‌طور عمده بر ماهیت شناختی یادگیری سازنده‌گرایی و پژوهش‌های **ویگوتسکی** بر ماهیت اجتماعی آن متمرکز بوده است. بنابراین، با توجه به آنچه گذشت، نظریه سازنده‌گرایی به دو نوع سازنده‌گرایی تقسیم می‌شود: ۱. شناختی؛ ۲. اجتماعی.

در نظریه شناختی سازنده‌گرایی، نحوه تولید و ساخت دانش توسط یادگیرنده بر اساس سازوکارهای متوالی و ذهنی تبیین می‌شود (برونر، ۱۹۶۰؛ پیاژه ۱۹۷ و ۱۹۷۶). بر اساس این دیدگاه، با خلق محیط‌های یادگیری، طوری که بین آموزگار و یادگیرنده تعاملی پویا برقرار شود، می‌توان برای یادگیرنده این فرصت را فراهم کرد که با دستکاری تکالیف واقعی و تفسیرهای حاصل از آن، به ساخت دانش و مهارت و ترکیب آن‌ها اقدام کند. در سازنده‌گرایی اجتماعی بر فعالیت‌های اجتماعی، موقعیتی و مشارکتی یادگیرنده در ساخت دانش تأکید می‌شود (ویگوتسکی ۱۹۸۶). بر اساس این دیدگاه، یادگیرنده دانش را در اثر تعامل اجتماعی پویا با دیگران یعنی تکلیف، آموزگار و همسالان بنا می‌کند. مفاهیم کلیدی سازنده‌گرایی شناختی و اجتماعی شامل مفهوم دانش، فرایند یادگیری و راهبردهای آموزشی، در جدول خلاصه و یادآوری شده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

- Wilson
- Constructivist Learning Environment

مفاهیم کلیدی	سازنده‌گرایی شناختی	سازنده‌گرایی اجتماعی
مفهوم دانش	یادگیرنده دانش را به‌طور فعال، از طریق مجموعه‌ای از گام‌ها و مراحل ذهنی، می‌سازد.	دانش در اثر تعاملات اجتماعی ساخته می‌شود (تکالیف واقعی در بافت‌های زندگی است).
مفهوم فرایند یادگیری	یادگیری تلاش مستمر برای سازش با محیط از طریق درونی‌سازی و برونی‌سازی است. در این رابطه لازم است یادگیرنده بین محتوا با محیط ارتباط برقرار کند.	یادگیری خلق تفسیرهای فردی و موقعیتی بر اساس تجربه‌ها و تعاملات، با توجه به سطح بالقوه یادگیرنده، است.
مفهوم روش‌های آموزشی	تأکید بر: - ایجاد ارتباط با دانش قبلی؛ - یادگیری مسئله محوری فردی؛ - بازخوردهای خودسنجی؛ - اندیشیدن نقادانه.	- الگوبرداری؛ - یادگیری مسئله محور گروهی؛ - معلم - هدایتگر.